

## دوئل مفتی و سلطان در عربستان



فرمان اخیرى که ملک سلمان، پادشاه عربستان، برای آزادی رانندگی زنان صادر کرد اقدامی مثبت تلقی می‌شود. اما سوال این است که آیا عربستان به راستی پای در مسیر اصلاحات گذاشته یا اینکه این اقدامات صرفاً گامی است که از «بالا» برداشته می‌شود تا فشار از «پایین» را تا حدودی مهار یا مدیریت کند؟ آیا در پس این آزادی «منطق»ی نهفته است یا فقط برای کاستن از میزان فشارهای خارجی چنین فرمانی صادر شده است؟ آیا این فرمان در همراهی با نهادهای دینی صادر شده؟ آیا از سوی شخص سلمان صادر شده؟ یا محمد بن سلمان پشت این فرمان بوده است؟

به گزارش آران نیوز: «بروس ریدل»، ستون‌نویس المانی‌تور، محقق مرکز بروکینگز و تحلیلگر ارشد سابق در سازمان سیا، در تحلیلی مورخ 28 سپتامبر 2017 برای المانی‌تور، بر این باور است که این فرمان اولین گام به سوی تغییر چهره اجتماعی عربستان، کاستن از فشارها و انتقادات بین‌المللی و اولین اقدام در راستای اصلاح اقتصادی در مسیر چشم‌انداز 2030 محمد بن سلمان است.

پادشاه عربستان همچنین به فرزندانش دستور داده که در مورد جنگ یمن هم استراتژی جدیدی در اندازند تا هم از فشار بر بودجه اقتصادی کشور کم شود و هم سیاست خارجی کشور در مسیر اصلاح قرار گیرد.

زنان عربستان حدود 3 دهه است که برای کسب حقوق خود تلاش می‌کنند. طی این مدت نه تنها نهاد سلطنت که نهاد دیانت و مفتیان وهابی به شدت مقاومت و در مسیر حقوق زنان مانع‌تراشی می‌کردند. حقوق زنان «یکی» از جلوه‌های تحول اجتماعی در عربستان است. «ریدل» معتقد است عربستان یکی از کشورها در جهان است که تبعیض علیه رانندگی زنان در آن به تدریج در حال تغییر است. جزئیات بسیاری در این مورد باید روشن شود. در کشوری که همه چیز در آن شکلی «مردسالارانه» دارد بدیهی است که توانمند ساختن زنان با موانع زیادی مواجه می‌شود چنان‌که در روزهای اولی که این فرمان صادر شد، برخی مردان عربستانی اقدام به ضرب و شتم زنانی می‌کردند که در حال رانندگی بودند. آنها زنان را از ماشین بیرون کشیده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. این نشان می‌دهد که «پلیس مرد» در عربستان نیازمند بیشترین آموزش‌ها است تا مانع کسانی شود که مبادرت به آزار زنان می‌کنند.

حقیقت دیگر این است که در عربستان زنان برای سفرهای داخلی یا خارجی نیازمند کسب اجازه از «قیم» خود یا «محارم» خود هستند. شاهزاده خالد بن سلمان، سفیر عربستان در آمریکا و فرزند پادشاه این کشور، معتقد است که زنان در کشورش برای مسافرت نیازی به اجازه ندارند اما حقیقت در بطن جامعه چیز دیگری می‌گوید. «ریدل» معتقد است بیش از 30 هزار فرمان مذهبی در عربستان در مورد بایدها و نبایدهای زنان از سوی مفتیان وهابی صادر شده است. البته پیش از صدور این فرمان تعداد بی‌شماری از روحانیون و منتقدانی که احتمال مخالفت‌شان با این فرمان می‌رفت دستگیر شدند. با این حال، مسیر برابری جنسی مسیری طولانی است و عربستان تازه در این راه گام گذاشته است.

ریدل معتقد است این اصلاحات «سطحی» است، زیرا با فرمانی از بالا صادر شده و هنوز فرهنگ سنتی در عربستان مدافع همان سنت‌های کهن و محافظه‌کارانه و مردسالار است. احتمالاً در آینده پیش‌رو عربستان به‌خاطر این آزادی‌های ناگهانی مستعد بحران شود چراکه شرایط اجتماعی هنوز برای تغییراتی این چنین آماده نیست.

اما سوال اصلی: آیا «منطق»ی در پس این فرمان بوده؟ آیا این فرمان به حساب محمد بن سلمان گذاشته می‌شود؟ پاسخ این است که اساساً محمد نقش مشاور اصلی پدر را دارد. او عملاً پادشاه کشور است چراکه ملک سلمان از هوش و حواس درست و حسابی برخوردار نیست. بسیاری از فرمان‌ها اگرچه به نام پدر صادر می‌شود اما در پس این فرمان «محمد» قرار دارد. براساس چشم‌انداز اقتصادی 2030 که محمد مبدع آن است، اقتصاد عربستان باید در سال 2030 از وابستگی به نفت جدا شود. بروس ریدل معتقد است فرمانی که برای اعطای حق رانندگی به زنان صادر شده رگه‌هایی از نگاه اقتصادی را به دنبال دارد.

او معتقد است هم اکنون یک میلیون و 376 هزار و 96 راننده خارجی در عربستان حضور دارند که هزینه‌ای بالغ بر 6/7 میلیارد دلار در سال از اقتصاد عربستان بیرون می‌کشد. اما بعید است که زنان به این زودی جانشین آنها شوند و بعید است که تا ژوئن 2018 همه آنها از عربستان خارج شوند اما برای تحرک در اقتصاد و وارد کردن زنان به چرخه اقتصادی، این می‌تواند اولین گام باشد و این پول را وارد چرخه اقتصادی عربستان کند. این امر لازم است چراکه قیمت نفت نوسان دارد و جنگ یمن هم موجب خشکسالی مالی در عربستان شده است. برخی آمارها حاکی است که عربستان احتمالاً تاکنون 30 میلیارد دلار خرج جنگ در یمن کرده است.

برخی آمارهای بدبینانه با احتساب خریدهای جنگی عربستان از کشورهای خارجی میزان هزینه‌های این کشور در یمن را چندین برابر این رقم تخمین زده‌اند. با این حال، صرف‌نظر از رقم این هزینه‌ها اما بار مالی مضاعفی بر اقتصاد عربستان تحمیل کرده است. دولت عربستان سخت می‌کوشد تا مانع شکل‌گیری کمیته مستقل تحقیق در مورد یمن شود. ریاض تهدید کرده که در مورد کشورهایی که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند دست به انتقام خواهد زد. بنابراین، به گفته ریدل، یکی از دلایلی که عربستان از «بالا» قدم در راه اصلاحات گذاشته کاستن از فشارهای خارجی است.

ریدل در تحلیل دیگری مورخ 9 جولای 2017 می‌نویسد از وقتی ملک سلمان روی کار آمده عربستان سیاست خارجی و داخلی تهاجمی در پیش گرفته است و این بر خلاف سنت پیشینیان است. این نشان می‌دهد که سلمان و پسرش افرادی ریسک‌پذیر

هستند. اما استقرار در قدرت و مواجه شدن با واقعیات عریان سیاست پدر و پسر را به جایی رساند که از شدت رویکرد تهاجمی خود بکاهد و مسیر اصلاح را لااقل در داخل- در پیش بگیرند. با این حال، میزان موفقیت آنها معلوم نیست. ریدل معتقد است از زمان ملک فیصل سیاست خارجی عربستان به طور سنتی واکنشی و احتیاط‌آمیز بوده است.

در دوران سلمان اما این رویکرد عوض شد و سنت گسست از پیشینیان را در پیش گرفت. با این حال، در اینجا یک تضاد وجود دارد: استقبال بین‌المللی گسترده از این فرمان در مقابل نادیده گرفتن وضعیت حقوق بشر اسفبار عربستان. ریدل معتقد است فضای فعلی عربستان همانند آمریکای دهه 60 است: تلاش برای بازسازی یک جامعه بهتر در داخل در بحبوحه کنشگری اجتماعی متلاطم درحالی که همزمان با یک دولت خارجی درگیر یک نبرد پرهزینه بود. این برای لیدون جانسون خوش‌یمن نبود. شاید برای عربستان هم چنین باشد.